



اعطای تسهیلات با بازپرداخت مبتنی بر درآمد: راه‌حلی برای دوره‌های افت درآمد و مصرف ناشی از بیکاری‌های پیاپی

ارائه این تسهیلات به کسانی که ثبات شغلی ندارند و دوره‌های بیکاری پیاپی را تجربه می‌کنند، ضمن پیشینه کردن احتمال بازپرداخت، به هموارسازی درآمد این گروه‌ها کمک قابل توجهی می‌کند. گرچه نرخ بیکاری کسانی که تحصیلات دانشگاهی ندارند پایین‌تر است اما بیش از سایرین تحت تاثیر عدم ثبات شغلی قرار دارند.

گرچه نرخ بیکاری کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند از سایرین بالاتر است، به نظر می‌رسد این افراد، در صورت اشتغال، ثبات شغلی بیشتری دارند. نتایج مدل‌سازی انجام شده نشان می‌دهد که کسانی که تحصیلات دانشگاهی ندارند، و سرپرستان خانوار دارای تحصیلات دانشگاهی، با احتمال ۵۰٪ یا بیشتر دوره‌های متناوب اشتغال و بیکاری را تجربه می‌کنند.

احتمال تجربه دوره‌های اشتغال و بیکاری متناوب (بیکارانی که تحصیلات دانشگاهی دارند)	احتمال تجربه دوره‌های اشتغال و بیکاری متناوب (بیکارانی که تحصیلات دانشگاهی ندارند)		
۲۷٪	۳۹٪	زن	جنسیت
۶۰٪	۸۱٪	مرد	
۴۸٪	۸۰٪	متاهل	وضعیت تاهل
۵۹٪	۸۰٪	بدون همسر به خاطر فوت یا طلاق	
۳۳٪	۷۱٪	مجرد	
-	۶۰٪	بی‌سواد	تحصیلات
-	۷۷٪	ابتدایی و راهنمایی	
-	۷۵٪	دیپلم	
۴۲٪	-	کارشناسی	
۳۵٪	-	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۵۸٪	۸۰٪	سرپرست خانوار	نقش در خانوار
۲۹٪	۶۴٪	همسر سرپرست خانوار	
۳۹٪	۷۴٪	فرزند سرپرست خانوار	
۴۶٪	۶۸٪	سایر نقش‌ها	
-	۵۸٪	۱۵	سن
-	۶۹٪	۲۵	
۴۰٪	۷۸٪	۳۵	
۵۰٪	۸۵٪	۴۵	
۶۱٪	۹۰٪	۵۵	
۷۰٪	۹۴٪	۶۵	

با وجود این که ایران، نسبت به کشورهای منطقه، یکی از بالاترین نرخ‌های اشتغال رسمی را دارد، درصد پایینی موفق به برخورداری از مزایای بیکاری می‌شوند. یکی از مطالعات انجام شده در معاونت رفاه در حوزه بیمه بیکاری در سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که از حدود ۳ میلیون نفر بیکار، که از میان آن‌ها ۱،۷۴ میلیون قبلاً شاغل بودند، تنها ۲۶ هزار نفر مقرری بیکاری دریافت می‌کردند. طبق این آمار، نسبت مقرری‌گیران بیمه بیکاری در ایران به کل بیکاران کمتر از ۱۰ درصد و نسبت به بیکاران قبلاً شاغل کمتر از ۱۵ درصد بوده است. البته نرخ بیکاران دریافت‌کننده بیمه طبق طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۸ بسیار کمتر است و حدود ۲ درصد در کل، و ۶ درصد برای کسانی که در پنج سال گذشته تجربه کار داشته‌اند، برآورد شده است.

جهت افزایش پوشش حمایت اجتماعی از بیکاران، در کنار طرح‌های بیمه بیکاری، می‌توان برنامه اعطای تسهیلات با بازپرداخت مبتنی بر درآمد را برای بیکاران به اجرا درآورد. مطابق با این سیاست، افراد می‌توانند در دوره بیکاری به صورت ماهانه تسهیلاتی دریافت کرده و پس از اشتغال و کسب درآمد کافی اقدام به بازپرداخت کنند. این نوع تسهیلات مشروط، می‌تواند بدون تضعیف مشوق‌های کارایی، هموارسازی درآمد و مصرف را برای دوره‌های بعضاً کوتاه اما متناوب بیکاری تضمین کند.

برای حمایت از بیکاران و در عین حال پیشینه کردن احتمال بازپرداخت بهتر است این تسهیلات به گروه‌هایی از بیکاران پرداخت شود که بیش از سایرین با عدم ثبات شغلی مواجه هستند و دوره‌های به نسبت کوتاه (یک ساله یا کمتر) بیکاری را تجربه می‌کنند.

نتایج بررسی‌ها، بر اساس طرح آمارگیری نیروی کار، نشان می‌دهد ارائه این تسهیلات به کسانی که مدرک دانشگاهی ندارند، به طور خاص سرپرستان خانوار و افراد زیر ۳۵ سال، در کنار برخی از گروه‌های جمعیتی بیکاری که تحصیلات دانشگاهی دارند، ضمن پیشینه کردن احتمال بازپرداخت، به هموارسازی درآمد این گروه‌ها کمک قابل توجهی می‌کند.

در تسهیلات با بازپرداخت مبتنی بر درآمد تنها زمانی بازپرداخت صورت می‌گیرد که دریافت‌کنندگان به سطح مشخصی از درآمد برسند، همچنین نرخ سود تسهیلات و دوره بازپرداخت بسته به میزان درآمد تعیین می‌شود.

* اعداد گزارش شده در این جدول احتمالات پیش‌بینی شده (Predicted Probabilities) هستند که از طریق رگرسیون لجستیک محاسبه شده‌اند. این محاسبات بر اساس داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار ۱۳۹۸ انجام شده است. تجربه اشتغال در پنج سال گذشته و بیکاری فعلی به عنوان شاخصی برای عدم ثبات شغلی (تجربه دوره‌های اشتغال و بیکاری متناوب) استفاده شده است. در این محاسبات فرض بر این است که کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند و فعال اقتصادی هستند تا ۲۵ سالگی وارد بازار کار می‌شوند.

تسهیلات با بازپرداخت مبتنی بر درآمد (Income Contingent Loans)

دارد که افراد از ازدواج با فردی که در حال بازپرداخت این نوع تسهیلات است، خودداری کنند. در مقابل، اگر در بررسی توانایی بازپرداخت، درآمد همسر لحاظ نشود، احتمال بازپرداخت وام پایین آمده و هزینه‌های تحمیل شده به سیستم اعطای وام افزایش می‌یابد.

● میزان اقساط چگونه تعیین می‌شود؟

سه رویکرد اصلی در مورد نحوه تعیین میزان اقساط وجود دارد: درصد متغیر، درصد ثابت و سقف پرداخت. در رویکرد نخست، درصدی که فرد از درآمدش پرداخت می‌کند، به مبلغ وام او بستگی دارد. در رویکرد دوم، تمامی وام‌گیرندگان فارغ از مبلغ وام‌شان، ماهانه درصد یکسانی از درآمدشان را پرداخت می‌کنند و با بالاتر رفتن مبلغ وام، طول مدت بازپرداخت نیز افزایش می‌یابد. در رویکرد سوم، بازپرداخت‌ها نباید از درصد معینی از درآمد فراتر روند. در این رویکرد، فرد وام‌گیرنده مبلغ استاندارد را (برای مثال مبلغ استاندارد یک وام در طی ۱۰ سال نیاز است) پرداخت می‌کند، اما اگر مبلغ استاندارد از سقف پرداخت (برای مثال ۱۰ درصد درآمد) فراتر رود، وام‌گیرنده تنها مبلغ سقف پرداخت را پرداخت می‌کند. به طور کلی زمانی که مبلغ وام بالاتر می‌رود، مبلغ یا مدت زمان بازپرداخت نیز باید افزایش پیدا کند، در غیر این صورت افراد دلیلی برای محدود کردن میزان اخذ وام نخواهند داشت.

● بهره‌ء وام‌ها چگونه مدیریت می‌شود؟

در وام‌های سنتی، بهره‌ء پرداخت نشده به طور معمول به اصل مبلغ وام اخذ شده اضافه می‌شود، به طوری که در دوره‌ء بعدی میزان بهره بر اساس اصل مانده بدهی جدید که بیشتر است، محاسبه می‌شود و متعاقباً میزان بازپرداخت نیز افزایش می‌یابد. در برخی از طرح‌های وام مبتنی بر درآمد که در آن‌ها مانده بدهی‌ها پایش می‌شوند، بسیاری از افراد در برخی دوره‌ها قادر به پرداخت بهره نیستند. در این شرایط اضافه شدن مبلغ بهره به مبلغ وام، فشار زیادی را بر وام‌گیرندگان و حتی سیاست‌گذاران وارد می‌کند. از طرفی، چشم‌پوشی از بهره نیز برای سیستم اعطای وام هزینه‌زاست و مبالغی را که قرار بود وام‌گیرندگان پس از جبران شدن درآمدشان بازپرداخت کنند، کاهش می‌دهد. برای حل این مشکل، در برخی از انواع وام‌های مبتنی بر درآمد چیزی به نام بهره به خودی خود وجود ندارد؛ درصدی از درآمد وام‌گیرنده در ظرف چند سال معین به وام‌دهنده تعلق می‌گیرد، فارغ از اینکه این مبالغ در نهایت کل سرمایه اولیه وام‌دهنده را جبران کند یا نه. در چنین طرح‌هایی افراد پردرآمد در نهایت نرخ بهره بالایی را پرداخت می‌کنند، بنابراین ممکن است وام‌گیرندگانی که انتظار دارند درآمد زیادی به دست آورند، از مشارکت در این ساختار منصرف شوند. یک رویکرد ترکیبی

یا پیاپی مواجه شوند، نمی‌توانند صرفاً بر دریافت تسهیلات مبتنی بر درآمد اتکا داشته باشند و تسهیلات دوره بیکاری می‌تواند دشواری‌هایی را به بار آورده و کارایی خود را از دست بدهد. در واقع، برنامه حمایت از بیکاران، طبق پیشنهاد محققان، باید تسهیلات مبتنی بر درآمد را با یک طرح محدود بیمه بیکاری برای موارد خاص ترکیب کند تا هموارسازی درآمد و مصرف برای کلیه بیکاران تضمین شود.

با استفاده از نتایج شبیه‌سازی می‌توان با در نظر گرفتن طول عمر و سال‌های فعالیت، به ترکیب بهینه‌ای از طرح بیمه بیکاری و اعطای تسهیلات مبتنی بر درآمد به افراد بیکار رسید. سیاست‌گذار در این زمینه باید چگونگی بیشینه کردن احتمال بازپرداخت بدهی‌ها و رفع نگرانی‌های مربوط به کژگزینی (adverse selection) را در نظر داشته باشد.

می‌دانیم که حتی زمانی که برنامه‌های اصلاحی مورد نیاز در زمینه‌های اقتصادی روشن و واضح هستند، باز هم ایجاد تغییر در سیاست‌های اجرایی بعضاً بسیار دشوار است. منافع شخصی و سازمانی و پرداخت مزایای سخاوتمندانه به گروه‌های خاص می‌تواند به عنوان موانعی در برابر اصلاحات اجرایی برای حمایت از بیکاران عمل کند. به کارگیری گسترده‌تر طرح‌های تسهیلات مبتنی بر درآمد نیازمند چارچوب‌بندی دقیق مزایای این طرح‌ها برای عموم مردم، سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران است. برای دستیابی به رفاه به ویژه در کشورهایی که با مشکلات مالی متعدد مواجه هستند، بایستی این چالش‌ها را مورد توجه قرار داد.

● توانایی بازپرداخت، چگونه لحاظ می‌شود؟

تمامی طرح‌های تسهیلات مبتنی بر درآمد، توانایی وام‌گیرنده در بازپرداخت را در نظر می‌گیرند؛ به طور مثال در آمریکا تا زمانی که درآمد فرد به بالاتر از ۲۰ هزار دلار نرسیده و در استرالیا تا زمانی که به بالای ۳۰ هزار دلار نرسیده است، اقساط وام دریافت نمی‌شود. نکته دیگری نیز که در زمینه توانایی بازپرداخت باید به آن توجه کرد، مسئله درآمد همسران است. در صورتی که درآمد همسر به عنوان منبعی برای بازپرداخت وام در نظر گرفته شود، این نگرانی وجود

بدون تردید در شرایط فعلی که دوره‌های رونق و افول اقتصادی کوتاه‌تر و متناوب‌تر شده است و در نتیجه آن با دوره‌هایی از افزایش اشتغال موقت و در پی آن افزایش بیکاری مواجهیم، هموارسازی مصرف و درآمد برای بسیاری ناممکن شده و این جاست که تسهیلات مبتنی بر درآمد، می‌تواند در حل مشکلات معیشتی یاری‌رسان باشد.

اعطای «تسهیلات با بازپرداخت مبتنی بر درآمد» در سطح کلان، برای اولین بار در سال ۱۹۸۹ و در استرالیا اجرا شد. در این برنامه تنها زمانی بازپرداخت صورت می‌گیرد که دریافت‌کنندگان تسهیلات به سطح مشخصی از درآمد برسند، همچنین نرخ سود تسهیلات و دوره بازپرداخت، بسته به میزان درآمد تعیین می‌شود. میزان درآمد از طریق نظام مالیات بر درآمد سنجیده می‌شود و گاهی بازپرداخت اقساط نیز در همان ساختار مالیاتی صورت می‌پذیرد. تسهیلات مبتنی بر درآمد، جذابیت خود برای سیاست‌گذاران را به خصوص در کشورهای با درآمد بالا به سرعت نشان داد و ارزیابی‌ها حاکی از آن است که تسهیلات مبتنی بر درآمد، برای تأمین مالی آموزش عالی به لحاظ ایجاد برابری و کارایی، اثربخش بوده است. همین نتایج باعث شد که تا سال ۲۰۱۴، هشت کشور دیگر نوع مشابهی از این تسهیلات را به اجرا درآوردند.

حوزه تأثیر این تسهیلات گسترده است و قابلیت آن را دارد که در کشورهای محل اجرا، چشم‌انداز اجتماعی، اقتصادی و اجرایی سیاست‌های رفاهی را تغییر دهد. بدون تردید در شرایط فعلی که دوره‌های رونق و افول اقتصادی کوتاه‌تر و متناوب‌تر شده است و در نتیجه آن با دوره‌هایی از افزایش اشتغال موقت و در پی آن افزایش بیکاری مواجهیم، هموارسازی مصرف (smooth consumption) برای بسیاری ناممکن شده و این جاست که تسهیلات مبتنی بر درآمد، می‌تواند در حل مشکلات معیشتی یاری‌رسان باشد.

تقریباً در هیچ کشوری، بازار به خودی خود قادر به تأمین بیمه بیکاری نبوده و بسیاری از دولت‌ها نقش پر کردن شکاف‌ها را بر عهده دارند. اما برنامه‌های دولتی بیمه بیکاری عمدتاً به دلایلی چون محدودیت پوشش‌دهی، تعداد قابل توجه شاغلین موقت و تأثیرات نامطلوب آن بر تلاش افراد برای جست‌وجوی شغل، به خودی خود بهینه‌گی لازم را ندارند. اعطای تسهیلات مبتنی بر درآمد می‌تواند بدون داشتن تأثیرات نامطلوب بیمه بیکاری بر تلاش افراد برای جست‌وجوی شغل، هموارسازی مصرف در طول زمان را برای افراد میسر کند. این برنامه‌ها، در عین این که نسبت به بیمه‌های بیکاری معمول، مشوق‌های بهتری ارائه می‌دهند، به لحاظ تسهیم ریسک نیز بهتر از وام‌های سنتی عمل می‌کنند. از جمله طرح‌های معدودی که در قالب یک صندوق، چنین تسهیلاتی ارائه می‌دهد، «صندوق مرکزی آینده‌نگری» (Central Provident Fund) سنگاپور است که بر اساس اعطای تسهیلات مبتنی بر درآمد، برای دوره‌هایی مانند بیکاری، بازنشستگی، تهیه مسکن و بیماری بنا شده است.

بیکاران جوان که در آغاز فعالیت حرفه‌ای خود در معرض بیکاری‌های پیاپی با قراردادهای موقت قرار دارند، به طور خاص به هموارسازی درآمد و مصرف نیاز دارند و این همان جایی است که نقش تسهیلات مبتنی بر درآمد برجسته می‌شود. در عین حال اگر افراد با دوره‌های بیکاری طولانی



کدام گروه از بیکاران بیشتر احتمال دارد دوره‌های اشتغال و بیکاری متناوب داشته باشند؟

در این جا، با استفاده از سوالی که از بیکاران می‌پرسد «آیا در پنج سال گذشته حداقل به مدت دو هفته مستمر کار کرده‌اند؟» مدل‌سازی لجستیکی انجام دادیم. فرض بر این است که گروه‌های جمعیتی که احتمال بیشتری دارد به این سوال پاسخ مثبت دهند، استفادهٔ بهینه‌تری از طرح تسهیلات مبتنی بر درآمد خواهند کرد. با این فرض که بسیاری از کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند در اواسط دههٔ ۲۰ وارد بازار کار می‌شوند، دو مدل لجستیکی اجرا شده است: (۱) برای بیکارانی که تحصیلات دانشگاهی ندارند، و (۲) برای بیکاران ۳۰ سال به بالای که تحصیلات دانشگاهی دارند.

نمودارهای صفحه بعد، که بر اساس مدل‌سازی لجستیکی ترسیم شده‌اند، احتمال پیش‌بینی شدهٔ عدم ثبات شغلی (دارا بودن تجربهٔ کار قبلی در پنج سال گذشته) را برای بیکاران فاقد بیمه به نمایش می‌گذارند. تفاوت قابل ملاحظه مشاهده شده بین افرادی که تحصیلات دانشگاهی دارند و ندارند می‌تواند ناشی از احتمال بیشتر اشتغال موقت و فصلی برای کارگران نیمه‌ماهر و غیرماهر باشد. در مورد جنسیت، با فرض ثابت ماندن سایر ویژگی‌ها، این احتمال برای مردان بدون تحصیلات دانشگاهی حدود ۸۰٪ و برای زنان بسیار کمتر و حدود ۴۰٪ است. در ادامه، مستقل از وضعیت تاهل، احتمال

آیا این تسهیلات مشمول مالیات می‌شود؟

برنامه‌های «تسهیلات مبتنی بر درآمد» به لحاظ مالیاتی پیچیدگی‌های بسیار دارند. وام‌ها جزئی از درآمد افراد محسوب نمی‌شوند، اما بدهی‌های بخشیده شده به طور کلی و کمک‌های بلاعوض به طور خاص معمولاً جزئی از درآمد فرد محسوب شده و مشمول مالیات می‌شوند.

استفاده از نظام بانکی یا نظام مالیاتی؟

محققان نشان داده‌اند که هزینه‌های اداری تسهیلات مبتنی بر درآمدی می‌تواند بسیار کمتر از هزینه ارائه خدمات مالی سنتی از طریق بانک‌های خصوصی باشد و عدم استفاده گسترده‌تر از «تسهیلات مشروط» در نظام بانکی، با وجود هزینه‌های تراکنش پایین آن، دلایلی ایدئولوژیک دارد تا اقتصاد. پیشرفت‌های اخیر فناوری، فرصت‌های منحصر به فردی را برای دولت‌ها پدید آورده است تا بتوانند با استفاده از اطلاعات، ساختار اداری و ابزارهای وصول بدهی موجود در نظام‌های مالیاتی، در موقعیت‌های مختلف، وام‌هایی کم‌هزینه و «مبتنی بر درآمد» به افراد اعطا کنند. در حال حاضر نیز در برخی کشورها، نظام مالیاتی به طور مؤثری نقش یک بانک را ایفا می‌کند. در واقع، ظهور سامانه‌های بانک‌داری آنلاین به لحاظ اقتصادی - اگر نه سیاسی - دولت‌ها را قادر ساخته است که خدمات بانکی را با هزینه و ریسک کم و به قیمتی ارائه دهند که بخش خصوصی قادر به رقابت با آن نیست.

زمانی است که وام‌گیرندگان بر اساس درآمد خود بازپرداخت کنند، اما بازپرداخت وام زمانی تمام شود که در مجموع، برای مثال، ۵۰ درصد بیش از مبلغ اولیه وام بازپرداخت شده باشد.

آیا نظام تسهیلات مبتنی بر درآمد قرار است به لحاظ مالی خودکفا باشد یا منابع مالی آن از طریق یارانه‌های خارج از نظام تأمین می‌شود؟

در اغلب طرح‌های اولیهٔ تسهیلات مبتنی بر درآمد تلاش شده بود که این نظام‌ها به لحاظ مالی کاملاً خودکفا باشند. به این معنا که درآمدهای حاصل از بازپرداخت‌های وام‌گیرندگان پرداخت، کمک‌های مالی به وام‌گیرندگان کم‌درآمد را جبران می‌کرد. با این حال، هیچ لزومی ندارد که بدهی‌های افراد کم‌درآمد با تحمیل هزینه‌های بیشتر به سایر وام‌گیرندگان جبران شود. در عوض این نظام‌ها می‌توانند از منابع مالی بیرون از خود یا از یارانه‌های دولتی استفاده کنند. برای مثال، در بریتانیا و استرالیا بازپرداخت‌های مبتنی بر درآمد به عنوان راهی برای بازیابی بخشی از منابع مالی دانشگاه‌هایی تلقی می‌شوند که پیشتر ۱۰۰ درصد تأمین مالی آن‌ها توسط دولت صورت می‌گرفت. در ایالات متحده، در سال ۲۰۰۷ یک برنامه بازپرداخت مبتنی بر درآمد طراحی شد که با کاهش برخی یارانه‌های بانکی جهت جبران هزینه‌های برنامه جدید بازپرداخت همراه بود.

بازپرداخت‌ها چه زمانی به اتمام می‌رسند؟

هرچه مدت زمان بازپرداخت طولانی‌تر باشد، مبالغ بازپرداخت ماهانه کاهش می‌یابد ولی کل برنامه همچنان می‌تواند در نقطهٔ تعادل باقی بماند. اغلب برنامه‌ها پس از اینکه فرد مبلغ اصلی وام به اضافه بهره یا مبلغ ناشی از تورم را پرداخت کرد، به پایان می‌رسند. در مقابل، در برخی طرح‌ها نیز نقطه پایان مشخصی در نظر گرفته می‌شود و پس از آن نقطه، مانده بدهی‌ها بخشیده می‌شود. از آنجا که بازپرداخت‌ها مبتنی بر درآمد است، این بخشودگی‌ها به وام‌گیرندگان کم‌درآمد - بسته به مبلغ وام‌شان - تعلق می‌گیرد.

درآمدها چگونه ثبت می‌شوند و بازپرداخت‌ها چگونه پردازش می‌شوند؟

یکی از آموزه‌های رایج در برنامه‌های «تسهیلات مبتنی بر درآمد» اجرا شده این است که ثبت درآمدها، به لحاظ فرآیند اداری آن می‌تواند یکی از اصلی‌ترین دشواری‌ها باشد. در برنامه‌هایی که بازپرداخت‌ها بر اساس پرونده‌های مالیاتی انجام می‌شوند، درآمد سال قبل افراد در دسترس است نه درآمد کنونی آن‌ها که بازپرداخت وام از خلال آن صورت می‌گیرد. بنابراین نیاز است رویه‌های دیگری برای وام‌گیرندگانی که درآمدشان کاهش یافته، لحاظ شود. کسر از درآمد کنونی افراد می‌تواند روش مؤثری باشد، اما این روش هم پیچیدگی‌های خود را دارد. ثبت درآمد وام‌گیرندگان متأهل (اگر مبلغ کسر از حقوق به درآمد مشترک زوج‌ها بستگی داشته باشد، مانند آنچه در آمریکا در جریان است)، وام‌گیرندگان خوداشتغال یا کسانی که چندین منبع درآمد دارند، پیچیدگی‌های بیشتری نیز دارد.

درآمد کدام گروه از بیکاران ایرانی با استفاده از تسهیلات مبتنی بر درآمد در طول زمان هموار می‌شود؟

آیا در ایران، تسهیلات با بازپرداخت مبتنی بر درآمد به بیکاران، بهتر است فقط به سرپرستان خانوار پرداخت شود یا همهٔ اعضای خانوار؟ آیا باید محدودیت سنی برای افراد مشمول در نظر گرفت؟ به طور مثال آیا این تسهیلات برای بیکاران بسیار جوانی که تازه وارد بازار کار نشده‌اند مناسب است؟ برای بیکاران جوانی که در آغاز فعالیت حرفه‌ای خود در معرض بیکاری‌های پیاپی با قراردادهای موقت قرار دارند چگونه؟ آیا ارائهٔ این طرح باید سطح تحصیلات در نظر گرفته شود و اگر اینطور است بهتر است به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پرداخت شود یا دیپلمه و زیردیپلمه‌ها؟ هدف از پاسخ به این سوالات انتخاب گروه‌های جمعیتی فعال برای استفاده از این تسهیلات است، به نحوی که درآمد و مصرف گروه هدف در دوره‌های بیکاری هموار شده و احتمال بازپرداخت بدهی‌ها نیز بیشینه شود. همان‌طور که ذکر شد، نظام حمایتی کشور باید با در نظر گرفتن متغیرهایی چون تعداد سال‌های فعالیت و بیکاری و فاصلهٔ زمانی از یک ترک شغل تا اشتغال در کار بعدی، به ترکیب بهینه‌ای از طرح بیمهٔ بیکاری و اعطای تسهیلات مبتنی بر درآمد به افراد بیکار، در کنار سایر طرح‌های حمایتی از بیکاران برسد.

در تلاشی اولیه برای پاسخ به این سوالات از داده‌های «طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۸» استفاده کردیم. مطابق داده‌های این طرح که با نمونه‌گیری خانوار انجام می‌شود، نرخ بیکاری در این سال ۱۲.۶٪ بوده است و نرخ بیکارانی که بیمهٔ بیکاری دریافت می‌کنند، ۱.۸٪ از مجموع تمامی بیکاران است. در این بخش، ما به توصیف و مدل‌سازی ویژگی‌های بیکارانی می‌پردازیم که تحت پوشش بیمه قرار ندارند.

توصیف وضعیت بیکارانی که بیمه دریافت نمی‌کنند، مطابق با طرح آمارگیری نیروی کار - ۱۳۹۸

ویژگی‌های بیکاران	
توزیع به درصد	
جنسیت	۶۹٪ مرد ۳۱٪ زن
سن	میانگین: ۳۱ سال چارک اول: ۲۴ سال میان: ۲۹ سال چارک سوم: ۳۵ سال
وضعیت تاهل	۶۰٪ مجرد ۳۷٪ دارای همسر ۳٪ بدون همسر بر اثر طلاق یا فوت
تحصیلات	۳٪ بی‌سواد ۳۱٪ ابتدایی و دبیرستان ۲۳٪ دیپلم ۳۶٪ کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر ۸٪ کارشناسی ارشد و بالاتر
نقش فرد در خانوار	۲۶٪ سرپرست ۹٪ همسر سرپرست ۶۳٪ فرزند سرپرست ۲٪ سایر
تجربهٔ کاری به مدت حداقل دو هفته در پنج سال گذشته	۵۶٪ دارای تجربهٔ کار قبلی ۴۴٪ فاقد تجربهٔ کار قبلی

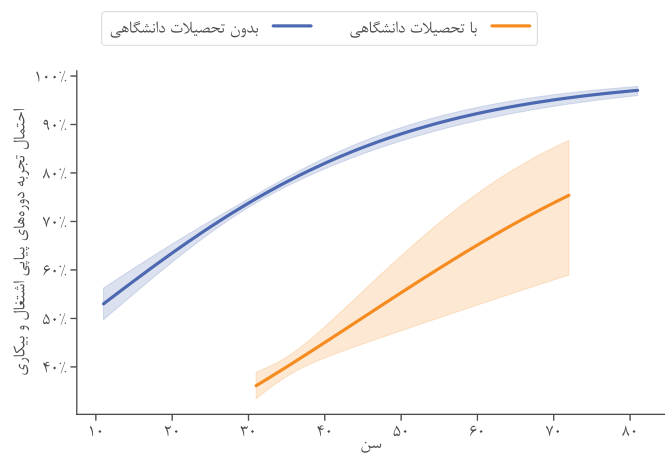
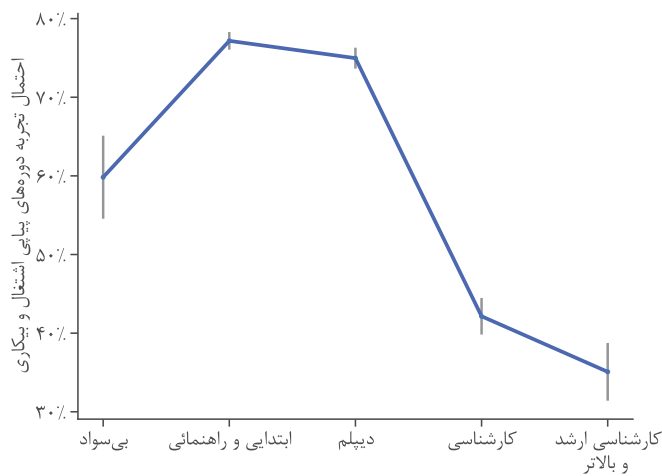
نیروی کار و حمایت اجتماعی

گزارش بیست و هشتم | ۲۰ شهریور ۱۴۰۰

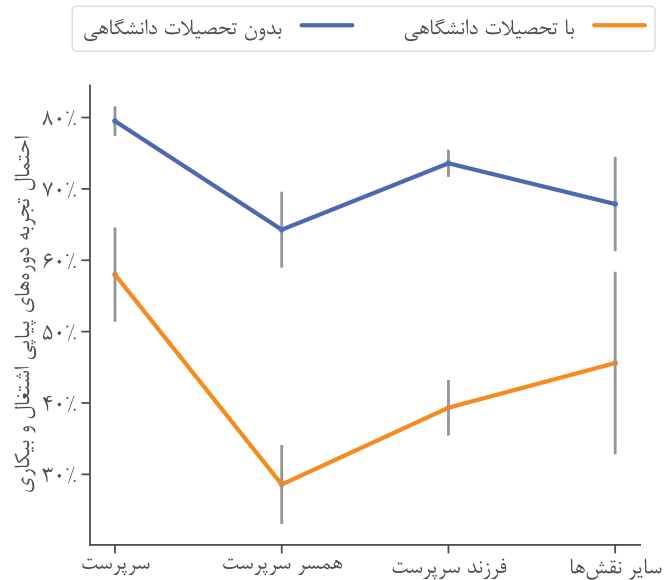
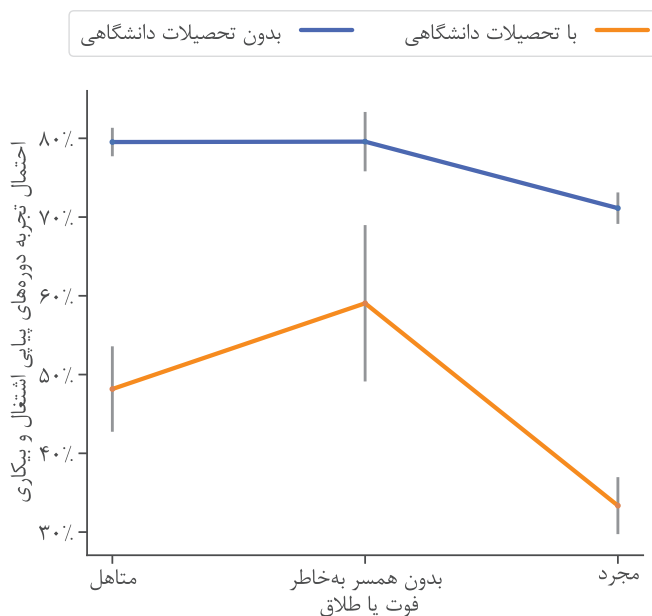
واشغال مجدد را تجربه می‌کنند و به همین جهت تسهیلات مبتنی بر درآمد برای هموارسازی درآمد و مصرف این افراد، کارآمدی بالایی خواهد داشت. در مقابل سیاست‌گذار بهتر است از سایر طرح‌های حمایتی برای زنان جوان و افراد دارای تحصیلات بالای دانشگاهی، به خصوص دارندگان مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر استفاده کند که ورود این افراد به بازار کار تسهیل شود.

و ۴۵ ساله‌ها می‌رسد. در مقابل، برای کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند، از ۳۶٪ برای ۳۰ ساله‌ها آغاز می‌شود و به ۵۱٪ و ۶۰٪ برای ۴۵ و ۵۵ ساله‌ها می‌رسد. مطابق این نتایج، کسانی که مدرک دانشگاهی ندارند، به طور خاص سرپرستان خانوار و افراد زیر ۳۵ سال، در کنار برخی از گروه‌های جمعیتی بیکاری که تحصیلات دانشگاهی دارند، با احتمال بالایی دوره‌های پیاپی بیکاری

پیش بینی شده تجربه دوره‌های پیاپی اشتغال و بیکاری برای کلیه افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی بالای ۷۰ درصد است. این درصد برای سرپرستان خانوار و فرزندان آنان نیز بالای ۷۰ درصد می‌باشد. در نهایت، احتمال داشتن تجربه کار قبلی، با فرض ثابت بودن سایر متغیرها، با افزایش سن افزایش قابل توجهی می‌یابد. برای کسانی که تحصیلات دانشگاهی ندارند از ۵۸٪ برای ۱۵ ساله‌ها آغاز می‌شود و به ۷۸٪ و ۸۵٪ برای ۳۵



احتمال تجربه دوره‌های پیاپی اشتغال و بیکاری برای بیکارانی که تحصیلات دانشگاهی ندارند از ۳۰ سال به بالاها بی که تحصیلات دانشگاهی دارند بیشتر است. در عین حال، گرچه احتمال دارا بودن تجربه کار قبلی با افزایش سن زیاد می‌شود، برای کسانی که تحصیلات دانشگاهی ندارند از ابتدا بالای ۵۰٪ است.



این نمودارها بر اساس نتایج رگرسیون لجستیکی، با داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار ۱۳۹۸ برای بیکارانی که بیمه دریافت نمی‌کنند، تهیه شده است. برای بیکارانی که تحصیلات دانشگاهی دارند، به دلیل ورود دیرتر افراد به بازار کار، تحلیل به جمعیت ۳۰ سال به بالا محدود شده است.